



خط صینی

تعامل مشترک هنر خوشنویسی اسلامی و چینی

علی محمد سابقی^۱

۱۳

چکیده:

هنر خوش نویسی را می توان یکی از دستاوردهای تمدنی بشمار آورد. تمدن چینی هم یکی از تمدن های جهانی است که در هنر خوش نویسی نام و آوازه ای بس بلند دارد. تلفیق هنر اسلامی با هنر چینی به اختراع و ابداع خطی موسوم به خط صینی انجامیده است که می توان از خلال آن با فرهنگ مسلمانان چین که بخشی از نماد هویت دینی و فرهنگی را در بر می گیرد، آشنا شد. گرچه از قدمت این خط قرن ها می گذرد اما کماکان ابعاد فرهنگی و زیباشناسانه آن بر همگان بویژه مسلمانان و خوشنویسان جهان اسلام پوشیده است. صرف نظر از ظرافت و زیبایی این خط ابعاد تکنیکی و فنی آن نیز نیازمند تشریح و معرفی بیشینه است برای اساس این مقاله قصد دارد تا ضمن معرفی این هنر دیرینه ارتباط آن را با هنر خوشنویسی مسلمانان تشریح کند.

واژگان کلید: هنر خوش نویسی، خط صینی، چین. مسلمانان

مقدمه:

اگر ابداع حروف و نوشتن را (در هر زبانی) به عنوان اولین اختراع بزرگ فرهنگی آن بپذیریم، آنگاه خوشنویسی دومین اختراع بزرگ فرهنگ چین به شمار می رود که بر حروف چینی استوار است. هنر خوشنویسی، از هنرهای است که در میان

^۱. پژوهشگر امور فرهنگی بین المللی



گنجینه‌های غنی هنر چینی، از جایگاه ممتازی برخوردار است. هنرمند خوشنویس می‌تواند با استفاده از قلم‌مو و از طریق شکل دادن به کاراکترهای چینی، ایده‌های زیبا، سبک هنری، تفکر و احساس، شخصیت و حالات روحی و روانی خود را یکجا و در یک خط بیان کند. بیش از ۳۰۰۰ سال طول کشید تا هنر خوشنویسی در چین شکل گرفته، توسعه یافت و گسترش پیدا کرد. در واقع، خوشنویسی هنر فاخری است که بخش مهمی از فرهنگ سنتی چین و برخی دیگر از فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ و هنر اسلامی را به خود اختصاص داده و از جایگاه ممتازی برخوردار است. مسلمانان چین نیز در قرن سیزدهم میلادی، از تلفیق این دو هنر، سبک جدیدی از خط و هنر خوشنویسی را بنام «خط صینی» ابداع کردند که ظرافت و زیبایی آن اگرچه هنوز برای مسلمانان و خوشنویسان جهان اسلام ناشناخته مانده، ولی برای مسلمانان این سرزمین بخشی از نماد هویت دینی و فرهنگی است.

جایگاه و ویژگی خوشنویسی در فرهنگ چین

دو جنبه از هنر خوشنویسی چینی آن را از سایر هنرهای خوشنویسی متمایز می‌کند: طبیعت کاراکتر چینی و استفاده از قلم‌مو. ساختار کاراکترهای چینی، که هر کدام فضای مربعی را اشغال می‌کنند، و مفاهیم ضمنی غنی آن‌ها این کاراکترها را به ابزار ایده‌آلی برای خوشنویسی تبدیل کرده است. روانی و قابلیت انعطاف و ارتجاعی قلم‌مو از آن‌ها ابزار مناسبی برای ایجاد سبک‌های قابل تغییر خوشنویسی درست کرده است. خطی که با حرکت قلم‌مو ایجاد می‌شود ممکن است ذائقه‌های متفاوتی از سبک نوشتن را به وجود بیاورد. این سبک تنها با قلم‌مو است که امکان شکوفایی و خلاقیت را پیدا می‌کند. انواع و اندازه‌های مختلف کاراکترها نیاز به قلم‌موهای مختلف و متنوعی دارند.

در خوشنویسی چینی سه عامل دخیل است: ۱- قابلیت مانور دادن. این امر نیازمند چالاکی و مهارت در کنترل قلم‌مو، حرکت علمی انگشتان، بازو و بدن و کاربری مؤثر جوهر است. قلم‌مو بایستی برای حرکت درست روی کاغذ با سرعت مناسب و نیروی مورد نیاز، سریع یا آهسته، سبک یا سنگین، با به سمت بالا کشیدن یا پایین آوردن تیزی قلم برای شکل دهی سبک‌های متنوع، برش میانی و یا جانبی، یا پنهان و آشکار کردن نقاط کنترل شود. خطوط باید با قدرت نوشته شوند، حس مفهومی بروز دهند،



مثل رگ‌ها، استخوان‌ها، خون و جسم بدن انسان. ۲- ساختار. این موضوع مربوط به طراحی و اسکلتهای و به کار بستن حرکت قلم‌مو است. این موضوع بر ساختار متعادل، فراز و فرود، سرکش گذاشتن و ایجاد فرورفتگی، رو به بالا حرکت کردن و وارونه شدن، کناره داشتن، احساس تهی کردن، پوشش دادن، و زیاد و کم کردن تأکید می‌کند، تا تلفیقی از حرکت‌های هر کاراکتر سرشار از سرزندگی و هیجان باشد. ۳- سبک. این موضوع به ذوق و سلیقه، سبک و کیفیت کار هنرمند خوشنویس مربوط است. این جنبه نیاز به بیان ماهرانه احساس ترکیب زیبایی در قالب و در کیفیت کار دارد تا بتواند در نتیجه‌ی الهام بخشی خالق اثر، تجسم درخشانی داشته باشد. قابلیت انعطاف قلم‌مو و ساختار، تکنیک‌هایی هستند که برای خلق زیبایی در قالب و کیفیت به کار برده می‌شوند. ولی سبک، نشان دهنده تخصص و چیرگی خالق اثر جدای از دستاورد او در خوشنویسی است. سبک مهم‌تر از همه چیز است، ولی نمی‌تواند از زیبایی در شکل و محتوا جدا باشد. یک اثر زیبای خوشنویسی باید دارای هر دو جنبه باشد.

خوشنویسی چینی محصول ۵۰۰۰ سال فرهنگ چین است. در طول تاریخ، تعداد خیلی زیادی از خوشنویسان پدید آمده‌اند. افرادی همچون وانگ‌شی‌جی^۱ (۳۲۱-۳۷۹ میلادی) و پسرش وانگ‌شیان‌جی^۲ (۳۴۴-۳۸۶ میلادی) متعلق به دوران سلسله جین شرقی (۳۱۷-۴۲۰ میلادی). لویانگ شون^۳ (۵۵۷-۶۴۱ میلادی)، چوسویلیانگ^۴ (۶۵۸-۵۹۶ میلادی)، یان جن چینگ^۵ (۷۰۸-۷۸۴ میلادی) و لیو گونگچوان^۶ (۷۷۸-۸۶۵ میلادی).

Wang Xizhi - ^۱

Wang Xianzhi - ^۲

Ouyang Xun - ^۳

Chu Suiliang - ^۴

Yan Zhenqing - ^۵

Liu Gongquan - ^۶

میلادی) در دوران سلسله تانگ (۹۰۷-۶۱۸ میلادی). جانگ شو^۱ و خووی سوء^۲ (۷۲۵-۷۸۵ میلادی) هم متعلق به دوران سلسله تانگ. سوشی^۳ (۱۰۳۷-۱۱۰۱ میلادی)، خوانگ تینگ جیان^۴ (۱۰۴۵-۱۱۰۵ میلادی) و می فی^۵ (۱۰۵۱-۱۱۰۷ میلادی) عصر سلسله سونگ (۹۶۰-۱۲۷۹ میلادی). در دوران چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۱ میلادی)، خوشنویسان به دو مکتب تقسیم شدند: مکتب خوشنویسی حکاکی روی سنگ و مکتب خوشنویسی کتابت روی کاغذ. یو یو رن (۱۸۷۹-۱۹۶۴ میلادی) هر دو مکتب را یکی کرد تا مکتب جدیدی درست کند. تمام این هنرمندان خوشنویس هر کدام سبک خاص خود را داشتند: سبک «زیبایی با طراوت طبیعی» وانگشی جی، سبک «زیبایی زمخت و خشن» یان جن چینگ، سبک «زیبایی تازه و روشن» می فی و خوانگ تینگ جیان، سبک «زیبایی همراه با طراوت و ظریف» جانگ شو و خووی سوء و سبک «زیبایی مرموز و ناهنجار» سوشی و جنگ بانچیاو^۶ (۱۶۹۳-۱۷۶۵ میلادی). تاریخ درخشان خوشنویسی و دستاورد نسل‌های مختلفی از این خوشنویسان، بخش مهمی از تاریخ فرهنگ چین را شکل می‌دهند.

در طول تاریخ، فلسفه تأثیر فوق العاده‌ای در خوشنویسی چینی گذاشته است. بین و یانگ در نظریه تغییرات، نظریه اعتدال کنفوسیوسی، نظریه راه طبیعت طریقت تائویی، و اشراق ناگهانی آیین بودایی فرقه چان، مراقبه و تزکیه نفس، همگی اثر و نشان عمیقی در زیبایی شناسی خوشنویسی گذاشته‌اند. می‌توان گفت که ایده‌های سنتی رسمی فلسفی، خوشنویسی چینی را تغذیه کرده‌اند. و خوشنویسی، به شکل هنر، مفاهیم ایده‌های فلسفی سنتی را به کار بسته، و خوشنویسان عبارت‌ها و جملات ترکیبی زیبای این مکاتب فلسفی را کپی کرده‌اند. بنابر این، خوشنویسی نوعی ارائه آثار ادبی هم بوده است. از این طریق مردم از زیبایی خوشنویسی و ادبی یکجا بهره‌مند می‌شدند.

Zhang Xu - ^۱
Huai Su - ^۲
Su Shi - ^۳
Huang Tingjian - ^۴
Mi Fei - ^۵
Zheng Banqiao - ^۶



به عبارت دیگر، خوشنویسی چینی، ترکیبی از زیبایی نقاشی و موسیقی و رقص است. جلال و شکوه آهنگ موسیقی، حالات رقص و طرح‌های نقاشی را با هم یکجا دارد. شکل، کیفیت، حالت، سبک و منطق را با هم در آمیخته، تا ماهیتی انتزاعی برای ایجاد احساس پایداری از زیبایی بسازد. خطاط احساس و آرزوهایش را به وسیله قلم‌مو بی نهایت خلاصه و مختصر بیان کرده و اغلب چند کلمه با یک حرکت قلم نوشته می‌شود. به وضوح می‌توان حالات مختلف روحی نویسنده را در جریان قلمش، مثل جریان شدید آب مشاهده کرد.

تاریخ ورود اسلام به چین (۶۵۱ میلادی)

اسلام، یکی از سه دین مهم جهان، در اواسط قرن هفتم میلادی و درست سه دهه پس از پا به عرصه‌ی وجود گذاشتن آن در شبه جزیره‌ی عربستان، وارد چین شد. در عین حال باید اذعان کرد که، سرگذشت هیچ‌یک از جوامع مسلمان در سرتاسر جهان، به اندازه پیشینه جامعه مسلمانان چین ناشناخته و گمنام نیست. دلیل این واقعیت نیز بعد مسافت و دوری جامعه مسلمانان این کشور از مرکزیت جهان اسلام، اجرای سیاست‌های منزوی کردن مسلمانان توسط حاکمان چینی از اواخر قرن هفدهم تا پایان دهه هفتاد از قرن بیستم، دشواری یادگیری زبان چینی و عدم توانایی پژوهشگران اسلامی در استفاده از متون تاریخی چین و کمبود اطلاعات و ناآشنایی اندیشمندان و مسلمانان جهان از وضعیت و شرایط زندگی مسلمانان بوده است.^۱ شاید دلیل مشخص نبودن میزان دقیق جمعیت مسلمانان این کشور هم ناشی از همین

^۱ - مراد زاده رضا، چگونگی نفوذ اسلام در چین، بنیاد پژوهش‌های اسلامی استان قدس رضوی، ۱۳۸۲.



عوامل باشد. آمار رسمی دولت چین شمار مسلمانان را حدود ۲۳ میلیون نفر ولی آمارهای غیر رسمی تعداد آنها را بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر برآورد کرده‌اند که برای اثبات یا رد آن دلایل متقنی وجود ندارد.

اگرچه در اسناد و مدارک تاریخی چین و جهان اسلام هیچ سند معتبری که تاریخ دقیق ورود اسلام به چین را ثبت کرده باشد تاکنون به دست نیامده است، ولی بر اساس کتاب تاریخ دوران سلسله‌ی تانگ، نخستین هیئت رسمی دیپلماتیک خلافت اسلامی، در سال ۶۵۱ میلادی (سال ۳۰ هجری)، همزمان با دومین سال از حاکمیت امپراتور یونگ خوی از سلسله‌ی تانگ، برای ابلاغ پیام خلیفه‌ی سوم عثمان ابن عفان، وارد شهر چانگان پایتخت امپراتوری چین شد. لذا، اغلب مورخان چینی، و به تبع آنان سایر مورخان، تاریخ ورود این هیئت را مبدأ ورود اسلام به چین تلقی کرده و هنوز کار پژوهشی و علمی دقیق دیگری برای اثبات یا رد این مسئله، نه در چین و نه در جهان اسلام و یا اروپا صورت نگرفته است.

بر اساس اسناد تاریخی اولاً، گسترش اسلام در چین یک روند طولانی تاریخی ۷۰۰ تا ۸۰۰ ساله را پشت سر گذاشته تا کاملاً جا افتاده و ریشه دوانده است. ثانیاً، این روند مسالمت آمیز و دوستانه و از طریق تجارت و بازرگانی بوده و هیچ‌گونه تبلیغ مستقیم یا اجباری برای پذیرش این دین در میان اهالی چین وجود نداشته است. بر اساس اسناد و مدارک تاریخی، اسلام از دو مسیر زمینی از شمال غرب و دریایی، از طریق سواحل جنوب شرق چین، یعنی همان مسیرهای معمول تجارت و بازرگانی تجار ایرانی و آسیای غربی، به این سرزمین وارد شده است. مسیر خشکی (زمینی) از ایران آغاز و با عبور از مناطق آسیای مرکزی از منطقه‌ی سین‌کیانگ چین عبور کرده و در امتداد مسیر جاده‌ی ابریشم وارد سرزمین و شهرهای داخلی چین هم‌چون چانگان و لویانگ گردیده است. مسیر دریایی نیز از بنادر مختلف خلیج فارس شروع و با عبور از اقیانوس هند و تنگه‌ی مالاکا در نهایت به بنادر چین در سواحل جنوبی این کشور منتهی شده است. در این نوشته‌های تاریخی به نحوه‌ی رفت و آمد و اسکان بازرگانان ایرانی و عرب در چانگان پایتخت چین و در شهرهای ساحلی



هم‌چون گوانگجو، یانگجو، گوانجو یا همان زیتون، خانگجو، کی فَنگ و لویانگ نیز اشاره شده است^۱

اوج حضور مسلمانان در دوران حاکمیت سلسله یوان

در عصر سلسله‌های تانگو سونگ، مسلمانان در بنادر تجاری و شهرهای بزرگ چین از موقعیت ویژه‌ای برخوردار شدند. حتی برخی از آنان در پست‌های مهم دولتی، به‌ویژه در بخش‌های تجاری و بندری و کشتیرانی، گمارده شده بودند. همین شرایط مناسب اجتماعی زمینه را برای موج مهاجرت بیشتر مسلمانان به چین و اقامت در این سرزمین را تا حدودی فراهم ساخته بود. این وضعیت در دوران حاکمیت مغول‌ها نیز ادامه یافت و با ورود مهاجران جدید بر شمار مسلمانان افزوده شد. اما این مهاجران دیگر مثل اسلاف خود خارجی مقیم شناخته نمی‌شدند. آنان اگرچه از مناطق و کشورهای متفاوتی وارد چین شده بودند و از نظر نژادی با یکدیگر متفاوت بودند، اما اکثراً در یک نکته مشترک بودند و آن اینکه همه تحت استثمار مغولان و به‌عنوان اسیر و غنیمت جنگی مجبور به ترک دیار خود شده و راهی چین شده و دیگر امیدی به بازگشت به سرزمین مادری را نداشتند. در چنین شرایطی، به‌دست آوردن فرصت اسکان همیشگی و رهایی از وضعیت نابسامان کنونی آرزو و خواست قلبی آن‌ها بود. افزایش شمار مسلمانان در چین با ورود سربازان مسلمان جدید که به عضویت سپاهیان مغول در آمده و به اختیار و اجبار وارد سرزمین چین شدند به اوج خود رسید. بر اساس برخی از نوشته‌های تاریخی چین، تعداد سربازان، صنعتگران، مدیران دیوانی، هنرمندان و صاحب‌منصبان مسلمانی که همراه مغول‌ها وارد سرزمین چین شدند، بیش از ۳۰۰ هزار نفر برآورد شده است. آن‌ها سعی می‌کردند با ارائه خدمات برجسته هرچه‌بیشتر به فاتحان مغول، برای خود موقعیت بهتری

۱ - فَنگ جین یوان.



به دست آورند. در اسناد تاریخی چین از این نظامیان مسلمان به عنوان جنگاوران و سلحشوران شجاع نام برده شده است. پیروزی مغول‌ها در چین با همکاری و جان‌فشانی این سربازان و تشکیل سلسله قدرتمند یوان، زمینه برای توسعه سیاسی و اقتصادی و تجارت خارجی بیش از گذشته فراهم شد. همه این عوامل شرایط مناسبی برای توسعه بیش از پیش اسلام در شرق به وجود آورد.

هفت قرن حضور بی‌هویت مسلمانان در چین

از زمان ورود اسلام به چین در قرن هفتم میلادی تا پایان حاکمیت سلسله تانگو پس از آن روی کار آمدن سلسله‌های سونگ و یوان، مسلمانان در عین سکونت طولانی مدت در چین و داشتن روابط تجاری و اقتصادی و حتی حضور برخی از شخصیت‌های مسلمان در هرم قدرت و داشتن پست و مقام درباری، هرگز خود را شهروند چینی ندانسته و خود را جزئی از امت اسلامی و شهروند جهان اسلام تلقی می‌کردند. این افراد اغلب در محله‌های خاصی در داخل و یا بیرون شهرها ساکن شده و در برخی از موارد نیز با استفاده از تسامح دولتمردان چینی، در بافت محل سکونت خود چینی‌ها اقامت گزیده و در کنار مردم عادی زندگی می‌کردند. در این محله‌های مهاجر نشین خارجی که فان‌که (محله خارجی‌ان) خوانده می‌شد، قوانین و مقررات اجتماعی و قضایی و فرهنگی و دینی خاص مسلمانان حاکم بوده و اغلب قاضی‌القضات و امام جماعت مسلمان (شیخ‌الاسلام) توسط خود مهاجران انتخاب و با تایید حاکمان چینی بر مسائل داخلی آنان نظارت و مشکلات و اختلافات آن‌ها را حل و فصل می‌کردند.^۱ این محله‌ها نخستین محل زندگی گروهی و هسته‌های اجتماعی اولیه مسلمانان در چین به شمار می‌روند که افزون بر محل سکونت، هویت اجتماعی و فرهنگی آنان نیز بر اساس اعتقادات دینی شکل می‌گرفت و این جوامع کوچک همیشه خود را جزئی از امت بزرگ اسلامی و جهان اسلام می‌دانستند نه جامعه چینی که در آن زندگی می‌کردند.

در این محله‌ها که به صورت کلونی‌های مجزا بودند، مسجد محور زندگی اجتماعی بود و خانه‌های مسلمانان در اطراف مسجد بنا شده و روابط اجتماعی خانواده‌های

^۱ - فنگ جین یوان، همان کتاب، ص ۱۵ / مراد زاده، همان کتاب، ص ۱۲۷.



مسلمان حول محور مسجد و به صورت بسته و محدود در میان خودشان تنظیم می‌یافت. برخلاف دادوستد تجاری آن‌ها که اغلب با چینی‌های غیر مسلمان بود، آنان از نظر اجتماعی و خانوادگی به خاطر تفاوت فرهنگی و رعایت مسائل شرعی و دینی، هیچ رابطه‌ای با غیرمسلمانان نداشتند. تمامی مسائل آموزشی، دینی، قضایی، و تأمین مواد غذایی، این جوامع خود انزوا و محدود مسلمان توسط خودشان تأمین می‌شد و نیازی به ارتباط با جامعه چینی اطراف خود نداشتند. حتی امامان جمعه و جماعت و مبلغان و معلمان آموزشی آن‌ها نیز از کشور مبدأ می‌آمدند.^۱ زبان ارتباطی میان این جوامع، اغلب زبان مادری خودشان (فارسی-عربی) بود و نیازی به آموختن زبان چینی هم نداشتند.

به عبارت دیگر، در طول چند قرن اسلام و مسلمانان در چین حضور داشتند ولی هرگز هویت چینی نداشته و خود را شهروند چینی نمی‌دانستند.

آغاز حاکمیت سلسله مینگ؛ تعارض هویت سرزمینی و فرهنگ دینی مسلمانان در چین

جانشین‌های مغولان، به مسلمانان به خاطر موقعیت بالایی که در رژیم گذشته داشتند، به عنوان حامیان، خدمتگزاران، و عوامل رژیم گذشته نگاه کرده و آن‌ها را غریبه‌های خائن تلقی می‌کردند. به‌ویژه اینکه مسلمانان افزون بر داشتن عقاید و فرهنگ متفاوت، از زبان گفتاری و نوشتاری غیر چینی (فارسی-عربی) استفاده کرده و نه تنها زبان چینی نمی‌دانستند، بلکه برای فراگیری آن و همسان شدن با فرهنگ چینی هم تلاش نمی‌کردند، چون دل در گرو امپراتوری بزرگ اسلامی داشته و خود را جزئی از امت جهانی اسلام می‌دانستند و همیشه در آرزوی تبدیل چین به یک

^۱ - درست مثل محله‌های ویژه‌ی چینی‌های مهاجر در سایر کشورها که به «چاینا تاون» یا محل اقامت چینی‌ها معروف است.



کشور اسلامی به سر می‌بردند. لذا در آغاز روی کار آمدن سلسله تازه تأسیس مینگ، مسلمانان بر سر دوراهی سرنوشت سازی قرار گرفتند. رژیم جدید، با هدف پاک‌سازی فرهنگ سنتی چین از فرهنگ‌های بیگانه و سیاست همگون سازی، به مسلمانان اولتیماتوم داد که ضمن حفظ اعتقادات اسلامی خود، بایستی شهروند چینی بودن و تبعات آن از جمله فراگیری و تکلم به زبان چینی و داشتن اسامی چینی و پذیرش فرهنگ اجتماعی و مخلوط شدن با مردم چین را پذیرفته و مثل سایر شهروندان این کشور تابع قوانین و مقررات امپراتوری باشند، در غیر این صورت، باید هرچه زودتر خاک چین را ترک و به سرزمین‌های آباء و اجدادی خود بازگردند. با چنین اولتیماتومی بود که حضور طولانی مدت و تاریخی اسلام و هویت دینی و فرهنگی مسلمانان در این کشور با خطر جدی رو به رو شد. از یک‌سو، سنت شکنی چندین قرن گذشته و کنار گذاشتن سبک و سیاق زندگی نیاکان برایشان سخت بود، و از دیگر سوء، خطر از دست دادن هویت دینی و اسلامی و بازگشت به کشور اجدادی که چندین قرن از آن به دور بوده‌اند و رها ساختن دستاوردهای فرهنگ اسلامی که با مشقات فراوان و طی قرون متوالی به دست آمده بود، امری ناممکن به نظر می‌آمد. نوعی تضاد میان هویت دینی و هویت شهروندی. مسلمانان که به فرهنگ و آداب و رسوم دینی خود افتخار کرده و به آن می‌بالیدند، به هیچ‌وجه حاضر به پذیرش فرهنگ چینی به قیمت از دادن فرهنگ اسلامی نبودند.

آغاز عصر جدید و پذیرش شهروندی چینی از سوی مسلمانان.

در چنین شرایط حساس، مسلمانان با اتخاذ تصمیمی هوشمندانه، هم از دین و فرهنگ اسلامی و افتخارات گذشته خود حراست کردند، و هم جایگاه سیاسی-اجتماعی به دست آمده در دوران سلسله‌های پیشین به‌ویژه دوران سلسله یوان را حفظ کردند. آن‌ها با اتخاذ موضعی میانه و متواضعانه، و با پذیرش آن دسته از فرهنگ سنتی چین که با اعتقادات دینی مسلمانان مغایرتی نداشت، خود را با سیاست جدید حاکمان مینگ تطبیق داده و با ایجاد تغییراتی ظاهری در رفتار اجتماعی خود، جامعه در اقلیت مسلمان را با جامعه مسلط چینی و فرهنگ کنفوسیوسی هماهنگ ساختند.



مسلمان چین با اتخاذ سیاست همزیستی با جامعه اکثریت غیر مسلمان چینی و کنار آمدن با فرهنگ سنتی کنفوسیوسی، به عنوان عضوی از جامعه متنوع قومی و مذهبی این کشور، از سوی حاکمان سلسله مینگ و چینی‌ها به رسمیت شناخته شد. توسعه اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان در عصر مغول‌ها و رسمیت یافتن آن در اوایل دوران مینگ، فضای لازم را برای تثبیت جایگاه شهروندی مسلمانان در این کشور و آغاز زندگی و همزیستی مسالمت آمیز به وجود آورد. آن‌ها ضمن انجام فرایض و اعمال دینی و حفظ و توسعه فرهنگ اسلامی، به احساسات و عواطف ملی و فرهنگ سنتی چینی‌ها نیز احترام می‌گذاشتند. حاکمان مینگ نیز دیگر نسبت به مسلمانان تبعیضی روا نداشته و محدودیتی را برای آن‌ها اعمال نمی‌کردند. با قطع روابط تجاری میان چین و جهان خارج، به‌ویژه جهان اسلام و کاهش رفت و آمد تجار ایرانی و عرب به سرزمین چین، مسلمانان با اتکا به جامعه خود، باب مراوده را با جامعه چینی بیش از گذشته باز کردند. چینی‌ها نیز از قطع ارتباط مسلمانان این کشور با جهان اسلام و پذیرش شهروندی چین خوشحال و خرسند شده و به آن‌ها دیگر به چشم غریبه و تهدید نگاه نمی‌کردند.

فراگیری زبان چینی و بومی شدن اسلام

پس از سقوط سلسله یوان، مسلمانان از جایگاه حاکمیتی جدای از جامعه چینی تنزل کرده و به عنوان شهروندان چینی در جامعه این کشور ادغام شده و دیگر غریبه و یا خارجی به شمار نمی‌رفتند. اقلیتی که از نظر نژادی با نژاد و زبان اکثریت «خَن» همگون ولی از نظر اعتقادی متفاوت و مسلمان بودند. در چنین شرایطی آثار هنری ایرانی - اسلامی که پیشتر نشانه و نماد مسلمانان خارجی بود و به صورت نسخه‌های خطی و اقلام فرهنگی سرامیکی و چوبی و فلزی تولید شده بود دیگر خیلی مورد



توجه نبود، چون که مسلمانان نژاد «خویی» به دربار مینگ تمایل بیشتری پیدا کرده و زمینه را برای خلق و ابداع و توسعه هنر اسلامی، به‌ویژه خوشنویسی، با سبک و ذائقه چینی فراهم ساختند.

در واقع، پس از قرن چهاردهم میلادی بود که نوعی زیبایی‌شناسی اسلامی با رنگ و بو و ذائقه چینی در میان مسلمانان به وجود آمد و تلفیق آثار هنری با مفاهیم اسلامی با سبک و سیاق هنر چینی پا به عرصه وجود گذاشت. در این آثار ترکیبی اگرچه جنبه‌های هنر چینی بیشتر بود، اما عناصر فرهنگ سرزمین‌های اسلامی در آن‌ها بیشتر و نمایان‌تر به نظر می‌رسید. هنرمندان مسلمان چینی سبک جدیدی از هنر خوشنویسی اسلامی را با اقتباس از آثار سنتی تائویی، بودایی و کنفوسیوسی را با اهداف اسلامی ابداع کردند. در این آثار به‌جای ستایش ارواح نیاکان، حمد و ستایش پروردگار و نعت پیامبر اسلام بیان می‌شد و این رویه تا قرن بیستم ادامه داشت.

پیدایش خوشنویسی اسلامی (خط صینی)، با استفاده از تکنیک هنر خوشنویسی چینی

روابط بینا فرهنگی ایران با تمدن‌های بزرگ پیرامونی در دوره اسلامی و پیش از آن، زمینه ساز تعاملات گسترده‌ای در حوزه هنر بوده است. بی‌شک دستاوردهای مادی و معنوی تاریخ بشر حاصل هم‌افزایی دانش و پژوهش اندیشمندانی است که با همفکری و هم‌اندیشی خود به نشر دستاوردهای خود پرداخته و به رشد و فضایل انسانی جوامع بشری کمک نموده‌اند.

در قرون اولیه ورود اسلام به چین، آثار هنری از جمله خوشنویسی اسلامی مورد استفاده مسلمانان، بیشتر به سبک مناطق مبدأ مهاجرین مسلمان از ایران، آسیای مرکزی و خاورمیانه عربی بود که نمونه‌های باقی مانده از آن‌ها را می‌توان روی سنگ‌قبرهای مسلمانان و یا مساجد قدیمی چین مشاهده کرد. با قطع ارتباط مسلمانان با سرزمین‌های اسلامی، سبک و هنر خوشنویسی اسلامی در چین نیز شاهد تغییرات اساسی بود.

از قرن هفتم تا چهاردهم میلادی و از دوران پیش از سلسله مینگ، آثار هنری خاصی از مسلمانان که رنگ و بوی چینی داشته باشند، بجز برخی آثار خوشنویسی مساجد و سنگ قبر مسلمانان، در دست نیست. در این دوران مسلمانان اغلب آثار هنری از



جمله خوشنویسی مورد نیاز را از سرزمین‌های آباء و اجدادی خود به همراه می‌آوردند و اگر هم در داخل چین تولید می‌شد متأثر از سبک هنری کشورهای اسلامی بود و خبری از تولید آثار خوشنویسی با ذائقه چینی وجود نداشت. در واقع می‌توان ادعا کرد که آغاز استفاده از سبک خوشنویسی چینی از اواخر قرن چهاردهم است که نوعی مظاهر و ظرایف هنری با سبک خاص پا به عرصه وجود گذاشته و مفاهیم و عناصر فرهنگ اسلامی کم کم با ترکیب و اقتباس از آثار و سبک هنر چینی، سبک تازه‌ای از هنر اسلامی به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، با آغاز دوران حاکمیت سلسله مینگ (۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ میلادی) به‌ویژه در دوران حاکمیت امپراتور چنگ‌د^۱ (۱۵۰۵ تا ۱۵۲۱ میلادی) که طبق برخی از اسناد تاریخی مسلمان شده و با دختر مسلمانی ازدواج نموده بود، زمینه برای شکل‌گیری و شکوفایی هنرهای اسلامی، از جمله هنر خوشنویسی، فراهم شد.

ساخت اشیاء سفالین و ظروف چینی با لعاب آبی و سفید همچون گلابدان، گلدان، بشقاب، بخوردان و... که منقش به گل و مرغ و آیات و نوشته‌های دینی به زبان عربی و فارسی بود و در کشورهای اسلامی مشتریان زیادی داشت نیز متعلق به دوران همین امپراتور چنگ‌د است که امروزه به‌عنوان ارزشمندترین و گرانترین اشیاء سفالین و ظروف چینی در جهان مشهور است. رنگ آبی و کبالت این ظروف هم از ایران وارد می‌شد و به آبی مسلمانی یا آبی محمدی شهرت داشت.

خوشنویسی صینی، تلفیقی از هنر خوشنویسی اسلامی و چینی و نماد هویت مسلمانان چین

از سنت هنر خوشنویسی چینی این است که کلمات و واژه‌های کوتاه اغلب چهار واژه‌ای را با خط خوش نوشته و در بالای سردرب ورودی ساختمان قصرها و معابد

^۱ - Ghengde.



و مکان‌های عمومی می‌آویزند. مسلمانان نیز با استفاده از همین سنت، با نوشتن و خطاطی کلمه بسم الله و یا عبارت شهادتین و آیات قرآن و احادیث نبوی سردرب ورودی و یا دیوارهای داخلی مساجد را تزیین می‌کردند. در واقع، مسلمانان این کشور افزون بر کتابت قرآن و آیات قرآنی، در نگارش با خط صینی بر ستون‌ها، کتیبه‌ها، تابلوهای سردرها، حاشیه داخلی شبستان‌ها، زیارتگاه‌ها، عبادتگاه‌ها و مساجد، هنر برجسته‌ای را به کار برده‌اند که از نظر زیبایی، ظرافت و استحکام خط ارزش بسیاری داشته و به لحاظ ترکیب تلفیقی از خوشنویسی خط عربی و ویژگی هنر چینی به شمار می‌رود. حتی خانواده‌های مسلمان به‌ویژه در مناطق شهری و روستایی معمولاً در اغلب خانه‌های مسلمانان چین، بر اطراف تالارها و اتاق‌های اصلی، یکی از دیوارهای داخل منزل و سالن پذیرایی خود را به خوشنویسی اسلامی اختصاص داده و آن را به تابلوها و طومارهای آویخته بر دیوارها، به آیاتی از کلام الله مجید که با اسلوب بسیار زیبای خط صینی نگاشته شده آراسته می‌کنند که در هر بیننده احساس پر شوری از علاقه و احترام به زیبایی هنر خوشنویسی دینی به وجود می‌آورد. حتی نقوش سنتی هنر چینی که در اغلب آثار نقاشی و خوشنویسی مورد استفاده قرار می‌گرفت، مانند نقوش ابرها، گل و مرغ، در آثار اسلامی نیز تکرار می‌شود. به عبارت دیگر، هنر خوشنویسی چینی و خوشنویسی اسلامی در چین به نحوی با هم تلفیق شده‌اند که به نظر می‌رسد این دو فرهنگ به ظاهر متفاوت و متضاد فقط در هنر است که می‌توانند در یک اثر هنری به صورت مسالمت آمیز و زیبا در کنار هم قرار گرفته و با وام گرفتن از یکدیگر مکمل هم باشند.

از دیگر ویژگی‌های خوشنویسی اسلامی صینی، خط نویسی به صورت تصویر است. تصویر سازی با کلمات البته نه به صورت تصاویر انسان و حیوان، بلکه به شکل گل، منظره، و حتی شمشیر دو دم ذوالفقار. در واقع، سبک خوشنویسی اسلامی (صینی) سبک منحصر به فردی است که هم زیبایی هنر خوشنویسی چینی و هم منعکس کننده احساسات دینی مسلمانان این کشور و گنجینه هنری مشعشع مسلمانان این کشور است که از نیاکان خود به ارث برده‌اند.



اوج هنر خوشنویسی اسلامی در تزیین محراب و داخل شبستان مساجد

هنرمندان مسلمان چین، از نظر اعتقادی، همچون سایر همکیشان خود در سایر سرزمین‌های اسلامی، که مجاز به تصویر سازی از حیوانات و جانداران نیستند، کمال هنر خود را در تزیین مساجد به کار گرفته و عبادت گاه‌های اسلامی که به زبان چینی «عبادتگاه دین پاکیزه» نامیده می‌شود، به انواع هنرهای مجاز به‌ویژه هنر خوشنویسی در سبک‌ها و قالب‌های گوناگون مزین ساخته‌اند. آثار خوشنویسی در مساجد چین به پنج صورت خوشنویسی با قلم‌مو روی کاغذهای مخصوص و به‌صورت طوماری، کتابت روی پارچه‌های ابریشمین، حکاکی روی سنگ، نقر روی تخته‌های چوبین همراه با تزیینات، و نوشته‌های روی ظروف سفالین انجام می‌شد.

مسجد جامع شهر شی‌آن گنجینه‌ای از هنر خوشنویسی دوره‌های مختلف تاریخی
مسجد جامع شهر شی‌آن، از بزرگترین مساجد قدیمی این کشور است که در طول قرن‌ها از آن بخوبی حفظ و نگهداری شده است. این مسجد که بنا به قولی از قدیمی‌ترین مساجد چین محسوب و به گفته دیگر در قرن چهاردهم میلادی و در بیست و پنجمین سال حکومت سلسله مینگ ساخته شده، به خاطر به کار گیری مؤلفه‌های معماری کاخ‌ها و بناهای معابد چینی در آن، بیشتر به یک معبد بودایی شباهت دارد و تنها فرق آن با یک معبد بودایی که معمولاً ساختار آن شمالی جنوبی است، موقعیت جغرافیایی این مسجد شرقی غربی است تا محراب آن در انتهای غربی شبستان اصلی به سمت قبله قرار گرفته باشد. این مسجد با مساحت تقریبی ۱۲ هزار متر مربع، روی زمینی به ابعاد ۴۸ در ۲۴۸ متر ساخته شده و حیاط‌های تو در توی آن در یک محور طولی با عمارت معبد مانند با کاربرد اسلامی تطابق یافته است. چهار حیاط تو در توی آن هر یک دارای یک درگاه ورودی است که یکی پس از دیگری نمازگزاران را به شبستان اصلی در طرف غربی



ساختمان اصلی هدایت می‌کند و اینک به خاطر معماری خاص آن به یک مقصد مهم گردشگری در چین تبدیل شده است.

حیاط اول این مسجد دربرگیرنده یک طاق چوبی ۹ متری است که با کاشیکاری‌های خیره کننده پوشانده شده است. در مرکز حیاط دوم یک طاق سنگی با دو ستون اطراف آن قرار دارد. در یکی از ستون‌های آن اثر خوشنویسی از یک خطاط مشهور از سلسله تانگ قرار دارد و در ستون دیگر خطاطی از سلسله مینگ هنرنمایی کرده است. این خطاطی‌ها به علت ویژگی‌های بسیار قدرتمند خود، به عنوان یکی از بزرگترین گنجینه‌های هنر خوشنویسی چین در نظر گرفته می‌شود. در محوطه ورودی سومین حیاط، سالنی قرار دارد که در داخی آن ستون‌های بسیاری از آثار دوران باستان نگهداری می‌شود. زینت بخش این حیاط، ساختمان کوشک ماندنی است که از آن به عنوان مأذنه یا به قول مسلمانان این کشور «بانگ»، که همان واژه فارسی اذان است، استفاده می‌شود.

در چهارمین حیاط مجسمه یک ققنوس قرار داشته و عمارت اصلی مسجد که دربرگیرنده شبستان اصلی با گنجایش یک هزار نفر نمازگزار است، در انتهای غربی آن به سمت مکه واقع شده که از نظر زیبایی و قدمت و استفاده از انواع هنرهای تزئینی که از نظر اسلام منعی ندارد، مانند خوشنویسی و نقاشی و تذهیب و... به شاهکاری ماندگار تبدیل شده است. مسجد اصحاب در شهر گوانجو و مسجد نیوجیه در شهر پکن نیز دارای مجموعه‌هایی غنی و ارزشمند از انواع خطاطی و خوشنویسی‌های قدیمی اسلامی است که متعلق به چندصد سال پیش بوده و آیات قرآن روی سنگ و چوب حکاکی و خوشنویسی شده است.

جنگ‌های داخلی و انقلاب فرهنگی چین (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶) دوران فاجعه آمیز نابودی آثار اسلامی

اغلب آثار باقی‌مانده از دوران سلسله مینگ و اوایل سلسله چینگ، در اغتشاشات و شورش‌ها و مهاجرت‌های اجباری مسلمانان در درون سرزمین چین و خارج از این سرزمین همچون قزاقستان، میانمار، تایلند، و تایوان از میان رفتند. آنچه هم که از این حوادث سالم مانده بودند، در دوران به اصطلاح انقلاب فرهنگی (۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ میلادی) به دست گاردهای سرخ مائو از بین رفتند. آثار کاغذی، ابریشمی و چوبی به آتش کشیده شد در حالی که آثار نوشته و حکاکی شده روی سفال و سنگ خرد شده



و از بین رفتند و آثار برنزی نیز در دیگ‌های ذوب فلز طرح صنعتی کردن مائو نابود گردیدند.

عصر اصلاحات، آغاز شکوفایی هنر خوشنویسی اسلامی و ظهور هنرمندان خوشنویس «صینی»

در یکی دو دهه اخیر، چند تن از علمای دینی و ائمه‌جمعه و جماعات که با هنر خوشنویسی «صینی» از قبل آشنایی داشته و تحت تعلیم هنرمندان مشهور خوشنویسی اسلامی و چینی این هنر را آموزش دیده‌اند، اقدام به احیای این هنر زیبا و مدرن سازی آن پرداخته و با ایجاد مؤسسات آموزش هنر خطاطی به علاقمندان و ارتباط با مراکز هنرهای شرقی در کشورهای اروپایی، به معرفی خوشنویسی و سایر هنرهای سنتی مسلمانان چین به جهان پرداخته‌اند که معرفی دو نفر از آنان در پی می‌آید.

۱. خوشنویس معاصر آقای حاج عبدالحکیم یا لیو جینگای^۱: وی ۸۷ سال سن داشته و امام مسجد است که از کودکی به هنر خوشنویسی علاقمند بوده است. از ویژگی‌های آثار او تلفیق حروف و کلمات عربی با معانی چینی آن‌ها در خوشنویسی است که کار او را از سایر خوشنویسان مسلمان چینی متمایز کرده است. وی از جوهر خشک برای حفظ تأثیر حالت پروازی فضاهاى سفید در اثر هنری خود استفاده می‌کند، در حالی که زاویه‌های نیمه مثلثی شکل و پایان قوی حروف عمودی وی بیانگر استفاده از قلم‌نی در کتابت است. از دیگر خصوصیات هنر وی استفاده از شکل طوماری و فرمت

^۱ - Liu Jingyi.



دوخطی در آثارش می باشد که نشانگر بهره گیری از هنر خوشنویسی چینی است. از دیگر ویژگی کار حاج عبدالحکیم استفاده از انواع مختلف خطوط نوشتاری چینی است که اثر وی را زیبا و دلپذیر نموده است. نمایشگاه آثار وی تاکنون در کشورهای مختلف از جمله پاکستان، قطر، عربستان سعودی و... برگزار شده است.

۲. حاج نورالدین یامی گوانگ جیانگ^۱، یکی دیگر از خوشنویسان مسلمان چینی است که تا حدودی شهرت جهانی پیدا کرده است. وی تقریباً همان سبک خوشنویسی چینی را که از زمان اختراع جوهر در چین به وجود آمده حفظ کرده است. وی می گوید: «خوشنویسی اسلامی گوهری است که از نیاکان ما به یادگار مانده و امروزه نیز در جامعه مسلمانان چین تالو و جلا یافته است». حاج نورالدین در سال ۲۰۰۹ در شهر جنگجو اقدام به راه اندازی مؤسسه آموزش هنرهای اسلامی نمود و تاکنون شاگردان زیادی را در این رشته تربیت کرده است. وی در کنار آموزش هنر خوشنویسی صینی، اقدام به جمع آوری و حفظ آثار قدیمی باقی مانده از دوران های گذشته نموده و با ارتباط گیری با مجامع و مؤسسات هنری جهان، برای معرفی سبک و تاریخ هنر خوشنویسی سنتی مسلمانان چین تلاش می کند. گفتنی است که بزرگترین مجموعه خوشنویسی صینی در خارج از چین اینک در شهر کوالالامپور مالزی نگهداری می شود. مجموعه های کوچکتری نیز توسط مجموعه داران خصوصی در شهرهای کپنهاگ، دوحه و نیویورک جمع آوری شده است.

^۱ - Mi Guangjiang.



احداث مساجد جدید به سبک معماری عربی؛ تهدید آثار هنری مساجد قدیمی
پس از اجرای اصلاحات چین در سال ۱۹۷۹ و باز شدن راه برای سفر مسلمانان به
خارج از کشور جهت ادامه تحصیل علوم اسلامی، صدها نفر از علاقمندان به
تحصیلات دینی به کشورهای اسلامی از جمله عربستان سعودی رفته و با
اندیشه‌های وهابی آشنا شدند. آنان پس از فارغ‌التحصیلی و بازگشت به چین
اندیشه‌های وهابی را به‌عنوان سوغات سفر همراه آوردند. این دانش‌آموختگان،
مساجد قدیمی را که با معماری چینی و آثار هنری اسلامی و خوشنویسی صینی
تزیین شده بودند را به‌عنوان آداب و رسوم کفر آمیز که از اندیشه‌های غیردینی
بودیسم و کنفوسیوس متأثر شده‌اند مورد حمله قرار داده و به تخریب آن‌ها کمر
همت بسته و با پول اهدایی سعودی‌ها و دیگر کشورهای متأثر از این تفکر، تحت
لوای بازسازی و نوسازی مساجد، این بناهای زیبا و تاریخی که تلفیقی از معماری و
هنرهای تزئینی اسلامی و چینی بودند را تخریب و به‌جای آن‌ها مساجدی با طرح و
معماری با استاندارد کشورهای عربی احداث و آثار خوشنویسی اسلامی با ارزش را
نابود و به‌جای آن‌ها از خوشنویسی سبک عربی که هیچ قرابتی با هنر خوشنویسی
چینی ندارد جایگزین می‌کنند. حتی سنت حسنه تزیین منازل با خوشنویسی اسلامی
را نیز با جایگزین کردن اقلام تزئینی چاپی که از کشورهای عربی و یا پاکستان وارد
می‌شود از بین برده و هنرمندان بومی که با استفاده از سبک خوشنویسی اسلامی
چینی منازل مردم را تزیین می‌کردند، کم کم به فراموشی سپرده شده و ضربه
مهلکی به هنر خوشنویسی سبک چینی وارد می‌کنند.



مجله مطالعات ایرانی اسلامی
دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹



۲۳۲۲-۲۸۹۱

شاپا چاپی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۲۷۱۷-۲۹۶۱

شاپا الکترونیکی